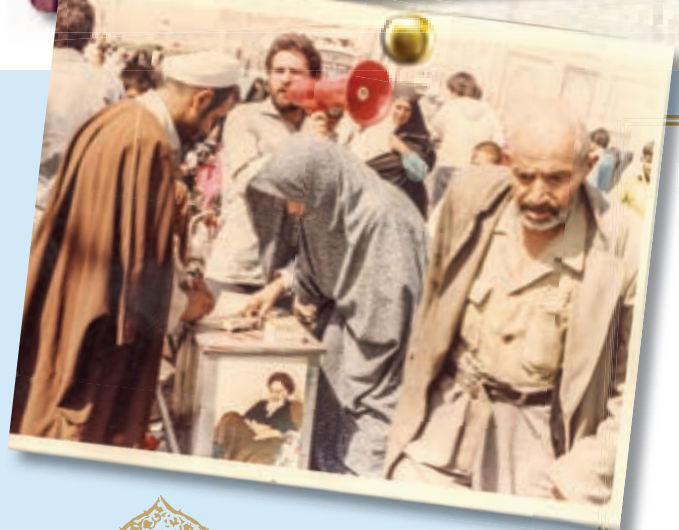




● فقیری که پول هایش را بخشید

یکی از معاونان ستاد پشتیبانی که از همان ابتدای جنگ حضور داشته است و از سال ۱۳۶۱ به واحد پشتیبانی می آید، می گوید: مردم پای کار هشت سال دفاع مقدس آمدند و در این مدت همراه بودند. هر فردی که از منطقه برمی گشت، به اطرافیان می گفت فلان چیز در منطقه کم است. در نتیجه دوستان و آشنایان تلاش می کردند آن کمبود را به کمک یکدیگر رفع کنند. محمدعلی حاجی زاده با اشاره به اینکه ۹۰ درصد کمک های مردمی به ستاد پشتیبانی جنگ واقع در چهارراه لشکر ارسال و از آنجا توزیع می شد، ادامه می دهد: ۱۰ یگان رزم داشتیم و براساس آمار پرسنلی امکانات را تقسیم می کردیم. برخی مردم کمک هایشان را همین جامی آوردند. عده ای نیز کمک هایشان را به مساجد محله می دادند. روزهای جمعه یا راهپیمایی که بود، صندوق هارادر مسیر می چیدیم.

به اینجای حرفش که می رسد، بغضی در گلویش جا خوش می کند، نگاهی به من می اندازد و ادامه می دهد: فکر نکنم دیگر آن روزها تکرار شود. روز جمعه صندوق هاراز میدان شهید اتا حرم می چیدیم. آخرین صندوق را جلویست بالا خیابان گذاشتیم. همان جا ایستاده بودم، بلند گوار روشن کردم که دیدم پیرمرد فقیری که گدایی می کرد، عصا زان به سمت ما آمد. با خودم گفتم این حتما برای گدایی به سمت ما می آید. سلامی کرد و هر چه پول خرد داشت، روی صندوق گذاشت. او گریه می کرد و گفت همین قدر بیشتر ندارم. این باشد برای سربازان. او با آن وضعیتی که داشت، همه پولش را در صندوق ریخت.

حاجی زاده به اینجای حرفش که می رسد، بغضش می ترکد، دیگر اشک امانش نمی دهد و شروع می کند به گریه کردن. او توضیح می دهد: در ستاد پشتیبانی کمتر از بیست نیروی کادری خدمت می کردند، اما هر روز شاهد دو بیست سیصد نیروی مردمی بودیم که برای کمک می آمدند. فرقی نداشت مردم عادی بودند یا گروه هایی که از ادارات مختلف یا اصناف برای کمک به ما می آمدند.

● از کمک های مالی تا ساخت کارخانه یخ

ولی... افخمی را که اکنون مدیرعامل سازمان عمران کرمان است، از سال ۱۳۶۴ تا ۱۳۷۴ مدیرکل صنایع استان خراسان بزرگ و یکی از افراد پایه جبهه بوده است. او طی چهار سال هر ماه اتوبوسی از مدیران را برای بازدید به جبهه می برده است. این کار خودجوش یعنی سامان دهی و بازدید مدیران صنایع کوچک و بزرگ استان خراسان که به گفته او، با استقبال خوب مدیران همراه بوده است. افخمی رادمی گوید: کمک های مالی مدیران صنایع در سراسر دوران جنگ محسوس بود. از آنجایی که خراسان قطب کارخانه های مواد غذایی است، در طول دفاع مقدس سهم بزرگی در تهیه و ارسال اقلام مورد نیاز رزمندگان داشت.

امان ها با رفتن به جبهه و آشنایی نزدیک با فرماندهان و رزمندگان و قرار گرفتن در آن حال و هوای معنوی، شور و حال خوبی برای ارائه خدمت پیدامی کردند. این رفت و برگشت با اتوبوس حدود ۱۰ روز بود. او ادامه می دهد: بازدیدمان از رزمندگان خراسانی تیپ ۲۱ امام رضا^(ع)، نصر و... بود. در آبادان یا اهواز مستقر می شدیم. در آنجا فرصتی بود که مدیران صنایع با فرماندهان و رزمندگان و درخواست هایی که داشتند، از نزدیک آشنایی شدند. همین آشنایی نزدیک با خواسته های رزمندگان سبب می شد مدیران، تولید های کارخانه هایشان را بر اساس نیازهای رزمندگان تغییر دهند. به عنوان مثال، حجم تولید مواد غذایی، مدت ماندگاری، نوع بسته بندی، نحوه ارسال و... را بر اساس نیازهای رزمندگان تغییر می دادند.

افخمی رادمی گوید: با کمک مالی مدیران صنایع استان خراسان، کارخانه یخی در سه راهی جفیر اهواز ساخته شد و در سال ۱۳۶۵ به بهره برداری رسید. همچنین، کارخانه نان، کیک و کلوچه ساخته شد. مدیریت این کارخانه ها، اعزام نیروی کار و مهارتی به عهده مدیران خراسانی بوده است.

یکی دیگر از اقدام هایی که با کمک مدیران صنایع خراسان بزرگ انجام شد، کمک به ساختن اردوگاه ها از جمله اردوگاه شهید چراغچی بود.

● ۲ سال تأمین نیروی تخصصی جبهه را بر عهده داشتیم

در کنار کمک های مالی مدیران صنایع، بدون شک بودن نیروهای تخصصی برای انجام برخی کارها ضروری بود. یکی از افرادی که در زمینه سامان دهی و اعزام نیروهای تخصصی به جبهه فعالیت مستمری داشت و خودش هم در پایان جنگ تحمیلی در کنار نیروهای تخصصی حضور داشت، محمدحسین نیازمند، رئیس سابق صنایع

عضو هیئت مدیره و اتحادیه تعاونی باتری سازان بوده است. او تا دو سال سامان دهی و اعزام نیروهای تخصصی را به صورت غیررسمی بر عهده داشت تا بیسیج اصناف در سال ۱۳۶۳ تشکیل شد.

او با شروع جنگ تحمیلی به عنوان نیروی داوطلب جهادی راهی جبهه می شود. نیازمندی می گوید: نزدیک آمدنم به مشهد بود. کاتبوشایی را به خط مقدم آورده بودند و قرار بود برای تعمیر به تهران ببرند. در حال نگاه کردن بودم که یکی از مشتری های مغازه مرا دید و کلی از کارم پیش فرمانده تعریف کرد. شروع به تعمیر کاتبوشا کردم. هنگامی که تعمیر شد، گفتند لطف بزرگی در حقمان کردی. اولین جرقه در ذهنش برای اعزام نیروی تخصصی زده می شود. بار دوم برای عملیاتی قرار بود به خط مقدم بروند که استارت اتوبوس خراب می شود و متوجه می شود نیروهای پشتیبانی تا بعد از ظهر بر نمی گردند. اینجاست که او مصمم می شود برای سامان دهی نیروهای تخصصی اقدام کند. اما این کارش دو سال زمان می برد، زیرا مسئولان معتقد بودند نمی شود اعزام نیروی رزمنده را از نیروی تخصصی جدا کرد. قبل از شروع عملیات والفجر^۳، فرمانده وقت به نیروهای می گوید اگر کمبودی وجود دارد، بگوید آن را رفع کنیم. نیازمندی در آنجا ایده اش را مطرح می کند و فرمانده می گوید ما نیروی دائم می خواهیم. نیازمندی می گوید: به فرمانده قول دادم که نه بود چه برای ساختن آن ها بخواهیم و نه در تأمین نیرو برایشان کوتاهی کنیم.

فرمانده، زمینی را در ایلام برای تعمیرگاه تخصصی در اختیارش قرار می دهد و نیازمند با ارتباط هایی که با مشهد می گیرد، برای ساخت اقدام می کند. او می گوید: دو سال طول کشید تا بیسیج اصناف شکل گرفت، اما در طول این دو سال اعزام نیروی تخصصی را به صورت غیررسمی به عهده داشتیم. او برایمان از وجود نیروهای تخصصی و نقش آن ها تعریف می کند: در عملیات کربلا ۵ تعداد زیادی خودر و نیاز به تعمیر داشت. هنگامی که موضوع را به انجمن اسلامی اصناف گفتیم، در همان جلسه سی تعمیرکار اعلام آمادگی کردند. خیلی زود توانستیم خودروهارا تعمیر کنیم و به خط برگردانیم.

نیازمندی هم از درگذشتگان اصناف مختلف که در آن زمان بسیار فعال بودند، می کند و می گوید: مرحوم قاضی و غلامپور رئیس صنایع خدمات موتور، نصیری و جراح زاده رئیس صنایع آرایشگران، صنعتی رئیس صنایع کفکاشان، راسخی رئیس صنایع تراشکاران، ذبیح... کشت گر رئیس صنایع نانویان و بسیار دیگر، همکاری صمیمانه ای در طول هشت سال دفاع مقدس داشتند.

● خدمت به رزمندگان واجب است

محمدصادق سپهری از صنایع خدمات موتوری فعالیت زیادی در پشتیبانی و تأمین نیروی تخصصی داشته است. در گفت و گویی که با او داریم، می گوید: فراموشی دارم و زیاد از آن روزها به یاد ندارم. او مانند سایر نیروها ۱۵ روز مشهد بوده است و ۴۵ روز در جبهه. به گفته خانواده اش همان پانزده روز هم که برای تأمین و هماهنگی نیروها و همچنین تأمین قطعات و لوازم به مشهد می آمده، همه فکر و ذهنش در خط و پیش کارش بوده است. خدمت کردن به رزمندگان را واجب می دانسته و لحظه ای از این امر فروگذار نکرده است.

● ۷۴ شهید صنف نانویان

احمد کشت گر، پسر ذبیح... کشت گر، رئیس صنایع نانویان، با آنکه سن و سالی ندارد و متولد سال ۱۳۵۳ است، یک بار به عنوان رزمنده در جبهه حضور داشته است. او می گوید: مایک خط قبل از خط مقدم نانویی داشتیم. تعداد نانی که هر روز پخته می شده، بسته به یگانی که نانویی در آن حضور داشته، متفاوت بوده است. هنوز هم نانویی هایی که مشهدی ها در حمیدیه، شوش، خرمشهر و... ساخته بودند، هست.

صنف نانویان ۷۴ شهید تقدیم نظام کرده است.

● ساخت در و پنجره های اردوگاه امام رضا^(ع) و شهید چراغچی

محمد طیرانی، رئیس سابق صنایع پروفیل سازان بوده و چندین نوبت به عنوان رزمنده و پنج بار به عنوان نیروی پشتیبان در جبهه حضور داشته است. هنگامی که به عنوان پشتیبان به جبهه اعزام می شده، نیازها را بررسی می کرده و هنگام برگشت به دنبال تأمین آن ها بوده است.

او عضو فعال انجمن های اسلامی اصناف بوده است. طیرانی می گوید: حاج آقا نیازمند با انجمن اسلامی تماس می گرفت و درخواست نیرو می کرد. ما هم در تأمین نیروی متخصص بخش خودمان فعالیت می کردیم. صنف آن هادر ساختن، تجهیز و تعمیر در و پنجره اردوگاه های امام رضا^(ع) و شهید چراغچی نقش داشته اند. او می گوید: می خواستند اردوگاه امام رضا^(ع) و در برهه ای دیگر اردوگاه شهید چراغچی را برای رزمندگان بسازند. از طرف صنایع رفتم و نیازها را برآورد کردم. به طور کلی جوشکاری، ساخت و حمل در و پنجره از مشهد تا اردوگاه به عهده خودمان بود. در طول دوران دفاع مقدس حدود ۱۰۰۰ نیرو از این صنف اعزام شدند و ۳۵ شهید تقدیم انقلاب اسلامی شده است.



برای دیدن کلیپ قدیمی ستاد پشتیبانی منطقه ۴ کدرا اسکن کنید